

فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۳۰، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴، شماره پیاپی ۱۱۷

M. H. Papoly Yazdi, Ph.D

K. Rostami

D. Mahdavi, Ph.D

E-mail: papolimh@gmail.com

محمدحسین پاپولی یزدی، استاد بازنشسته دانشگاه تربیت مدرس

کاظم رستمی، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی

داوود مهدوی، استادیار گروه جغرافیای دانشگاه پیام نور

شماره مقاله: ۱۰۱۶ صص: ۶۴-۴۷

وصول: ۹۲/۱۲/۱۵ پذیرش: ۹۳/۹/۲۵

تحلیلی بر مشارکت‌های سنتی روستاییان و اثرهای آن در نواحی روستایی ایران (مورد: شیوه کشت برنج در روستای شهریار، استان چهارمحال و بختیاری)

چکیده

مفهوم مشارکت، مفهومی همراه و همزاد با روستاییان دارد که زندگی آنها بدون آن تقریباً غیرممکن است. در روستاهای ایران از گذشته، مشارکت‌های مردمی در فعالیتهای روستایی و زراعی وجود داشته که در مناطق مختلف با عنوان‌هایی همچون بنه، صحرا و حراثه از آن یاد شده است؛ اما از مشروطیت تاکنون شاهد تصویب قوانینی از طرف مجلس ملی و مجلس شورای اسلامی هستیم که با همه تلاش‌های صورت گرفته و قوانین مدون شده هنوز هم اجرای بسیاری از طرح‌ها در روستاها به شکست می‌انجامد. این در حالی است که بسیاری از مشارکت‌های سنتی روستاییان از نوع خودانگیخته بوده و به گونه‌ای با زندگی روستاییان عجین شده و همراه با آثار و پیامدهای مثبتی بوده است. در پژوهش حاضر با استفاده از روش‌شناسی موردی و توصیفی - تحلیلی تلاش بر این است که به معرفی نمونه‌ای از این نوع مشارکت‌ها در قالب کشت برنج در روستای شهریار از توابع بخش فلارد استان چهارمحال و بختیاری پرداخته شود. این نوع مشارکت که در روستای شهریار با کار و زندگی روستاییان توأم شده، نتایج اقتصادی و اجتماعی بی‌شماری به همراه داشته است، از قبیل: مدیریت منابع آب و خاک، همدلی و وحدت کشاورزان، عدالت اقتصادی و اجتماعی بین اهالی روستا، توجه به فقیران روستا و ...

واژه‌های کلیدی: مشارکت، مشارکت سنتی، روستای شهریار، شیوه کشت برنج.

مقدمه

هرچند قدمت مشارکت در میان جوامع انسانی بسیار است؛ ولی در متون علمی واژه‌های مشارکت و مشارکتی برای اولین بار از دهه ۱۹۵۰ مطرح گردید و با تأخیر در عرصه توسعه روستایی استفاده شد. کاربرد واژه مشارکت در برنامه توسعه روستایی موضوعی است که نقطه آغاز آن به دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ برمی‌گردد (عفتی، ۱۳۷۲: ۶۲) از دیدگاه جغرافیدانان روستایی، مشارکت به مفهوم ساماندهی رابطه متقابل انسان روستایی با محیط جغرافیایی یا بهره‌وری بهینه در سطوح مختلف تولید کشاورزی است. این مهم در گذشته از طریق نظام‌های همکاری گروهی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و تولید کشاورزی انجام می‌گرفته است. امروزه نیز برای دستیابی به یک فرایند توسعه درونزا، متکی

به خود و پایدار روستایی، بازنگری به سازمان‌های همکاری و تولید گروهی سنتی که ریشه در فرهنگ جغرافیایی این سرزمین دارند، اجتناب‌ناپذیر است (جمعه‌پور، ۱۳۷۳: ۱۰۸)؛ هرچند که دگرگونی‌های ساختاری و تحولات اقتصادی و اجتماعی جوامع روستایی به تضعیف و یا در پاره‌ای از موارد به حذف مشارکت‌های سنتی انجامیده است؛ ولی با توجه به شکل‌گیری این نظام‌ها در قالب شرایط اقتصادی، جغرافیایی هر روستا و همچنین، تداوم آن در اعصار و زمان‌های مختلف، جزو بهترین و عاقلانه‌ترین شیوه‌های بهره‌برداری کشاورزی بوده‌اند. ویژگی‌های مثبت و متخصص‌پسند این نوع مشارکت‌ها و نظام‌های کشاورزی با توجه به شرایط امروزین جوامع روستایی می‌تواند به حل بسیاری از مصائب و گرفتاری‌های روستایی بینجامد و حتی حفظ محیط زیست را که از ارکان اساسی توسعه پایدار روستایی است، محقق سازد. از این‌رو، آنچه از ارکان اساسی مورد توجه برنامه‌ریزان در ارتباط با مشارکت‌های روستایی است، احیای شیوه‌های مشارکت سنتی روستاییان و یا استفاده از تجارب آنهاست (رستمی، ۱۳۸۲: ۱۰۶-۱۲۵).

در کشور ایران نیز مفهوم مشارکت، مفهوم دیرینه‌ای بوده که با زندگی روستاییان پیوند داشته است. نمونه‌هایی از این نوع مشارکت را می‌توان در تشکل‌هایی که روستاییان به منظور به جریان انداختن امور اقتصادی، خدماتی و اجتماعی - فرهنگی خود داشته‌اند، مشاهده نمود. مشارکت روستاییان در جشن‌ها، عزاداری‌ها، ساخت، تعمیر و نگهداری مساجد، حسینیه‌ها، حمام‌ها و ... نمونه‌هایی از این نوع مشارکت به شمار می‌رفته و هنوز هم می‌رود. در این میان، مشارکت روستاییان در امور زراعی و دامی از یکسو و شرکت آنها در امور اجتماعی فرهنگی روستا از سوی دیگر به حیات اقتصادی و اجتماعی روستاها دوام و پایداری می‌بخشید که جلوه‌هایی از این نوع مشارکت هنوز هم در روستاهای ایران به چشم می‌خورد.

در بخش فلارد استان چهارمحال و بختیاری از گذشته تاکنون شیوه‌های مشارکت متعددی بین روستاییان وجود دارد که آنها را می‌توان در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی زیست - محیطی مشاهده نمود؛ مشارکت‌هایی که بدون دخالت دولتمردان صورت می‌گرفت و عواید بسیاری برای روستاییان داشت. از طرفی، امروزه عدم مشارکت روستاییان در بسیاری از امور روستاها، برنامه‌ریزان روستایی را با مشکلات بسیاری مواجه نموده است. لذا موفقیت مشارکت‌های خودانگیز گذشته و عدم مشارکت امروزه آنان در بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی محسوس و قابل مشاهده است که این امر ضرورت شناخت زمینه‌های و بسترهای مشارکت خود انگیخته و سنتی روستاییان را دوچندان می‌نماید، لذا پژوهش حاضر نیز درصدد است ضمن بررسی و تحلیل ابعاد و زمینه‌های این مشارکت خود انگیخته و سنتی روستاییان در مناطق مورد مطالعه، تأثیرات و پیامدهای مشارکت‌های سنتی آنها را در نواحی روستایی بخش فلارد استان چهارمحال و بختیاری مورد واکاوی و تحلیل علمی قرار دهد تا از این رهگذر بتوان به راه حل‌های جامع و دقیقی در خصوص افزایش مشارکت آنان در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی در کشور دست یافت.

داده‌ها و روش پژوهش

با توجه به اهداف و موضوع پژوهش، شیوه و روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات تحقیق، تلفیقی از دو روش مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی و روش میدانی بوده است؛ به طوری که اطلاعات مربوط به تبیین مباحث نظری و پیشینه تحقیق و نیز آمار و اطلاعات منطقه و روستای مورد مطالعه را با مراجعه به مراکز اسنادی، کتابخانه‌ها و همچنین، پایگاه‌های اطلاعات

علمی در اینترنت گردآوری شده است و به منظور مشخص نمودن وضعیت مشارکت روستائیان، روش‌های تعیین حقایق، چگونگی تقسیم زمین بین آنها و نتایج اقتصادی و اجتماعی این نوع مشارکت بین روستائیان از روش میدانی؛ به خصوص تکنیک‌های مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه استفاده شده است.

شایان ذکر است که در محدوده روستای شهریار از توابع بخش فلاارد، مزارعی که از سرچشمه‌های شهریار آبیاری می‌شوند، شش مزرعه است که در مجموع دارای ۸۴۳/۵ جریب زمین هستند. در هر دوره کشت تنها دو و یا سه مزرعه به علت کمی آب به زیر کشت می‌روند، که در مجموع این میزان برای کشت برنج معادل ۲۴۱/۵ جریب است. از مجموع ۲۵۰ کشاورز در این مزارع، ۱۴۰ نفر در کشت برنج مشارکت مستقیم دارند و بقیه کسانی هستند که به علت نداشتن حقایق تنها زمین خود را به روش‌های سهم‌بری در اختیار کشاورزان دارای حقایق قرار می‌دهند. بنابراین، جامعه آماری این پژوهش ۱۴۰ نفر از کشاورزان روستای شهریار بوده است. افزون بر این، در تحقیق حاضر از روش تحقیق موردی (ژرفانگر) و نیز روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته شده است و همان‌طوری که گفته شد، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و روش‌های میدانی به گردآوری و تحلیل داده‌ها و پاسخگویی به سؤال‌های تحقیق پرداخته شده است. در نهایت، داده‌های گردآوری شده از طرق روش‌های آماری توصیفی همانند جداول فراوانی و درصد و نیز میانگین و همچنین، از طریق روش‌های تحلیل کیفی تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌های نظری پژوهش

- مشارکت

کلمه مشارکت معادل اصطلاح انگلیسی "پارتیسیپیشن"^۱ است. این کلمه از ریشه "پارت"^۲ به معنی قسمت، جزء و بخش گرفته شده است و به معنای سهم‌شدن در چیزی و یا گرفتن قسمتی از آن است. گاهی دو اصطلاح "اسوسییشن"^۳ و "پارتنر شپ"^۴ نیز معادل اصطلاح پارتیسیپیشن با مشارکت آورده می‌شود (حامد مقدم، ۱۳۷۳: ۲۸۵)؛ هر چند که آغاز مشارکت در میان جوامع انسانی را باید همگام با تاریخ خلقت و در کنار هم بودن بشر دانست؛ ولی واژه مشارکتی برای نخستین بار از دهه ۱۹۵۰ وارد فرهنگ توسعه گردید و چند دهه پس از آن؛ یعنی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شاهد ورود این مفهوم در توسعه روستایی هستیم.

سابقه مفهوم مشارکت به حدود نیم قرن می‌رسد؛ ولی در اهمیت آن تعاریف و عبارات متعددی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است. در این مجال تنها به سه تعریف بسنده می‌گردد: «مشارکت در واقع وسیله‌ای است تا مردم به کمک آن و بدون اتکای جدی بر نهادهای رسمی بتوانند بر مشکلات خود فایق آیند؛ یعنی خوداتکا شوند و نیازهای اساسی خود را رفع کنند.» (پاپلی یزدی، ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۱۹) «مشارکت عبارت است از رشد توانایی‌های اساسی بشر از جمله، شأن و منزلت انسانی و مسؤول ساختن بشر در باروری نیروی تصمیم‌گیری و عمل، به نحوی که سنجیده و از

1- Participation
2- Part
3-Association
4- Partnership

روی فکر باشد (حامد مقدم، ۱۳۷۳: ۲۸۸) «مشارکت شامل مهیا کردن منابع مردم محلی و حمایت از داده‌های درونی در داخل برنامه‌هایی برای ایجاد کارایی و تأثیرات مؤثر است.» (لوو^۱ و همکاران، ۱۹۹۹: ۱۲)

همان‌گونه که دیده شد، از مشارکت تعاریف متفاوتی ارائه شده است که نشان‌دهنده برداشت‌های مختلف از این مفهوم است؛ اما آنچه در این تعاریف بیش از همه مورد توجه است، اهمیت مشارکت در فرایند توسعه به طور عام و برنامه‌ریزی روستایی به شکل خاص است؛ به گونه‌ای که توسعه و مشارکت گاه به جای هم و گاه مترادف هم به کار برده شده است. در ایران روستاییان همواره از این مفهوم در قالب واقعی آن و به اشکال مختلف همیاری، تعاون و یا همکاری بهره‌ها برده‌اند. (از جمله سنت‌های شناخته شده روستایی، سنت مربوط به کار جمعی و یا همیاری (مشارکت) است، که از حس اجتماعی بودن انسان و نیاز به همکاری در زندگی جمعی مایه می‌گیرد؛ زیرا در محیط روستایی امور فراوانی وجود دارد که انجام آنها از عهده یک فرد و یا خانواده ساخته نیست) (حسینی آبری، ۱۳۸۰: ۱۲۱).

۷ در مجموع، با توجه به تعاریف مذکور می‌توان عناصر کلیدی آن را در چهار مورد ذکر کرد: ۱- مشارکت، فعالیت سازمان یافته از طرف مردم متحد و متجانس است که واحد اولیه آن را متقاعد شدن افراد به کنش جمعی تشکیل می‌دهد؛ ۲- مبادرت به کنش و عمل جمعی؛ ۳- تفکر و تأمل مستقیم نسبت به کار و فعالیت؛ ۴- نظارت بر فرایند مشارکت.

– مشارکت، مشارکت سنتی و توسعه روستایی

امروزه همه فعالان عرصه‌های روستایی بر این امر اصرار دارند که «موضوع مشارکت و چگونگی تحقق آن، ریشه در تاریخ دیرینه ملت‌ها دارد» (قاسمی پویا، ۱۳۸۳: ۱۳). «اصل مشارکت در برنامه‌ریزی توسعه همزمان با تکامل و اصلاح نگرش به مفهوم توسعه جایگاه بیشتری یافته است. به عبارت دیگر، تأکید بر اصل مشارکت در برنامه‌ریزی از این جهت است که توسعه بیش از همه به انگیزش و یادگیری نیازمند است و در بهبود و کفایت مستمر توانایی‌های درونی تجلی می‌یابد.» (رضوانی، ۱۳۸۸: ۱۳۳) برای نیل به اصلی‌ترین هدف توسعه روستایی که ایجاد اعتماد به نفس لازم در جمعیت روستایی است، گذار از مراحل همچون: تأمین معاش زیستی، افزایش سطح استاندارد زندگی در جامعه روستایی، ارتقای کیفی نیروی انسانی از طریق آموزش و ترویج شیوه‌های نوین زراعت، باغداری، دامداری و... در جهت بهبود وضعیت اقتصادی آنان، ایجاد زمینه‌های مشارکت در بین روستاییان در انجام پروژه‌های عمرانی، اجتماعی و سیاسی جامعه روستایی، ضروری است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۰: ۸۰). در فرایند توسعه جوامع، مشارکت از مبانی کلیدی و حساسی است که نمی‌توان آن را نادیده انگاشت. کمتر کسی با این نکته مخالف است که مشارکت مردم اساس موفقیت هر طرح توسعه روستایی است (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰: ۱۲).

در این زمینه نیز توسعه مشارکتی در دهه ۱۹۵۰ شکل گرفت و کارگزاران اجتماعی که بر اثر نادیده انگاشتن ذی‌نفعان اصلی پروژه‌ها و شکست الگوهای نخستین توسعه، از راهبرد بالا به پایین توسعه ناامید شده بودند، به کار بستند (بوتچ وی، ۲۰۰۱: ۱۳۵-۱۵۳). توسعه مشارکتی مسیری روبه پایین است که گروه‌های هدف را در موضوع‌های اصلی،

1- Lowe

2- Botchway

گفتگوها و موضوع‌های مرتبط با خودشان درگیر می‌کند (واتینس^۱، ۲۰۰۸: ۲۰). با مشارکت کسانی که از برنامه‌های توسعه سود می‌برند و داشتن گروه‌هایی محلی و ملی که با هم کار می‌کنند، می‌توان امیدوار بود که پروژه‌های توسعه با موفقیت بیشتری به اجرا درآیند.» (موهان، ۲۰۰۸: ۴۶).^۲

مشارکت مردمی اکنون به عنوان کانون و مرکز توسعه روستایی است و در این زمینه به مثابه ابزار اساسی و به صورت یک هدف شناخته می‌شود (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۰: ۸۶). اهمیت مشارکت در سرنوشت جوامع و زندگی بشر به حدی است که تقریباً زندگی انسان‌ها بدون آن ممکن نیست، تا جایی که در ادیان الهی همواره بر آن تأکید شده و در قرآن کریم هم اشارات فراوانی به این موضوع شده است (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۱۶). با توجه به تأثیر بسیاری که مشارکت در پایداری دستاوردهای حاصل از انجام فعالیت‌ها و برنامه‌های توسعه در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد، به شدت مورد علاقه دولت مردان و مسئولان سیاسی کشورها؛ به خصوص در کشورهای جهان سوم قرار گرفته است (اسدی، ۱۳۸۲: ۸۷). در اهمیت و ضرورت مشارکت در توسعه روستایی امروزه تعبیرات و عناوین خاصی به کار گرفته می‌شود که در این میان، شوماخر اهمیت این موضوع را این گونه بیان می‌کند: «باید مردم را از یک دیدگاه واقع‌بینانه و جدی به حساب آورد. چرا باید مردم را به حساب آورد؟ زیرا مردم منبع اصلی و نهایی هرگونه ثروتند. اگر مورد غفلت قرار گیرند، اگر آلت دست کارشناسان خودمختار و برنامه‌ریزان خودرأی قرار گیرند، دیگر هیچ تلاشی ثمر واقعی نخواهد داشت (شوماخر، ۱۳۶۵: ۱۳۲).

بنابراین، باید زمینه‌ای فراهم کرد که مردم روستایی در اموری که به سرنوشت و زندگی‌شان ارتباط می‌یابد، مشارکتی فعال داشته باشند و این حق مسلم آن‌هاست. چنانکه در گزارش "کنوانسیون جهانی اصلاحات و توسعه" که در ژانویه ۱۹۷۹ توسط فائو در رم برگزار شد، آمده است: مشارکت مردم در نهادها و نظام‌هایی که حاکم بر زندگی آنهاست، از حقوق اساسی بشر است. از سوی دیگر، برای دستیابی به اهداف توسعه همه‌جانبه، مشارکت روستائیان در برنامه‌های توسعه بسیار ضروری است؛ زیرا بدون همکاری آنان هرگونه توسعه با مشکل روبه‌رو خواهد شد. بر این اساس در این گزارش این گونه تأکید شده است که: برای دستیابی به هدف‌های توسعه روستایی همه‌جانبه، لازم است که بی‌چیزان روستایی در تصمیم‌گیری در همه مراحل اجرا و حتی ارزیابی مشارکت کنند. این گونه مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها باید در سطح توده مردم نیز گسترش یابد (کائوتری^۱ و دیگران، ۱۳۷۹: ۶۳).

با افزایش توان علمی جوامع و تمدن‌ها در گستره کره زمین و تخصصی شدن علوم مرتبط با توسعه در سطوح شهری و روستایی، راهکارهای متعددی برای توسعه این جوامع به خصوص جوامع روستایی مد نظر قرار می‌گیرد. در این میان دیدگاه‌های جدید توسعه روستایی که با عنوان "توسعه روستایی نو" مطرح شده است، براساس توسعه پایدار شکل گرفت و چرخشی اساسی نسبت به شیوه‌ها و الگوهای گذشته (۱۹۵۰ تا دهه ۱۹۸۰) توسعه است. بر اساس توسعه روستایی نو، که تأکید آن بر مردم‌گرا، بومی، درونی، مشارکتی و خودجوش بودن است، بیش از همه بر ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مردم روستایی و تقویت این توان‌ها تأکید می‌شود (رکن‌الدین افتخاری، سجاسی قیداری، ۱۳۸۹: ۶۳).

1- Watkins

2- Mohan

به گفته فرهادی، کمترین فایده شناخت از این نوع مشارکت‌ها این است که زمینه و فضا و پتانسیل فرهنگی مناسبی را برای آفرینش و آموزش هرگونه مشارکت و تعاونی فراهم می‌سازد (فرهادی، ۱۳۸۰: ۹۴-۹۵). از دیگر مزیت‌های این گونه مشارکت‌ها در توسعه نواحی روستایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- توجه به مشارکت‌های سنتی روستاییان می‌تواند چراغ راهنمایی برای پی بردن به ضعف‌های مشارکت‌های امروزی در جوامع روستایی باشد.

- بسیاری از محققان برنامه‌ریزی روستایی توانمندسازی روستاییان و افزایش ظرفیت‌های روستاییان را در تحقق توسعه روستایی مهم می‌دانند که در راستای افزایش توانایی تصمیم‌گیری، مدیریت روستایی باید از درون جامعه محلی شکل گیرد و در این میان، عوامل بیرونی به عنوان تسهیلگر ایفای نقش کنند (اسکاپ^۱، ۱۹۶۶: ۴)؛ لذا مشارکت‌های سنتی جوامع روستایی ایران بازگوکننده این ظرفیت‌ها و توان‌های جوامع روستایی در فرایند توسعه به حساب می‌آیند.

- «مشارکت حتی اگر به صورت برانگیخته از جانب عوامل بیرونی (بیرون از جامعه روستایی) صورت گیرد، مستلزم قبولی قلبی و شرکت ارادی افراد است. شناخت ویژگی‌های اجتماعی افراد در جامعه روستایی (ایستارها و هنجارها) زمینه‌ساز طرح پروژه‌هایی است که در جهت ایجاد تغییر و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای توسعه محسوب می‌شود.» (طالب، ۱۳۷۶: ۳)؛ لذا مشارکت‌های سنتی روستاییان در همه جای ایران تداعی‌کننده ویژگی‌های اجتماعی افراد است. - برخی از محققان اهمیت بهره‌گیری از این دانش را این‌گونه بیان می‌کنند که «تمام مردم روستایی آگاهی‌هایی دارند که مصلحان توسعه فاقد آن هستند.» (چمبرز، ۱۳۷۶: ۲۵۵)

- مشارکت‌های سنتی روستاییان در امور خود اغلب به شکل‌گیری مسائل اجتماعی می‌انجامد که در پی آن هنجارهای گروهی ایجاد می‌شود. این مسائل به بروز رفتارهایی می‌انجامد که مقبولیت عمومی پیدا می‌کنند و به صورت تثبیت شده جزئی از فرهنگ روستاها به شمار می‌رود، همه افراد جامعه با آن آشنا هستند و فرزندان نیز آنها را می‌آموزند و عمل می‌کنند. از این‌رو، توجه به جنبه اجتماعی مشارکت‌های سنتی نیز در رفع مشکلات اجتماعی پروژه‌های امروزی توسعه روستایی نقش بسزایی می‌تواند داشته باشد.

- اغلب نظریه‌پردازان توسعه و متخصصان برنامه‌ریزی روستایی، بر فرایند برنامه‌ریزی‌ها از پایین و یا به قولی "درونی" تأکید دارند. از این‌رو، توجه به مشارکت‌های سنتی روستاییان در واقع همسویی با چنین برداشت‌ها و نظریاتی است.

- «مشارکت محلی، تفکری در جهت افزایش تأثیر پروژه‌های توسعه است. همچنین، این نوع مشارکت می‌تواند "نخبگان اسیر" را که از توسعه ماشینی دوری می‌کنند، در نتایج عادلانه این نوع مشارکت در آینده سهیم نماید.» (اوسمانی^۲، ۲۰۰۸: ۴)

دکتر رنج^۱ از جمله پژوهشگرانی است که در ارتباط با فناوری تحقیق می‌کند؛ ولی در باره ارزش‌های تاریخی کارهای گذشتگان این‌گونه اظهار نظر می‌کند: «پس برای پیشرفت باید به عقب نگریست. ما عجولانه به جلو تاخته‌ایم و اکنون مانند فتری که بیش از حد باز شده است، باید جمع شویم.» (قنبری، ۱۳۸۱: ۸۳)

1- ESCAP
2 -Osmani

– زمینه‌های مشارکت‌های سنتی روستائیان در نواحی روستایی ایران

کشور ایران به دلیل برخورداری از فرهنگ و تمدن غنی، از سابقه‌ای بس طولانی در زمینه همیاری و تشکیل سازمان‌های همیاری (مشارکت سنتی) برخوردار است (قباخلو و مرادنزادی، ۱۳۸۱: ۹۰). در جامعه روستایی ایران قبل از اصلاحات ارضی، ساختار اجتماعی مبتنی بر شیوه تولید سنتی بوده است. این الگوی مشارکت خودانگیخته در سطح واحدهای تولیدی خانوار و نیز واحدهای کار و تولید جمعی سنتی چون بنه و تعاونی‌های سنتی در سطوح محلی و قومی به شکل گسترده‌ای وجود داشته است. دو ویژگی خودانگیخته بودن و سنتی بودن این نوع مشارکت‌ها سبب شد تا این فعالیت‌ها فراتر از زمینه‌های اقتصادی، ابعاد اجتماعی، روانی و فرامادی روستائیان را نیز شامل شوند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸: ۱۷۲-۱۷۳). چنانکه گفته می‌شد روستائیان ما فردگرا و تکرو هستند؛ اما دیده می‌شد که از خشت تا خشت در کارها به شکل های گوناگون با یکدیگر همکاری می‌کنند و اصولاً بدون همکاری، روستاهای ایران نمی‌توانست قرن‌ها خودکفا و خودگردان باقی بماند. (فرهادی، ۱۳۸۰: ۳۵-۳۶). در حقیقت، این نوع مشارکت‌ها که قدمت و ریشه آن را می‌توان با پیدایش روستاها در ایران و قبل از نفوذ بروکراسی روستاها در ایران دانست، تعاریف و عبارات متفاوتی را به همراه دارد. «این نوع مشارکت براساس عرف، عادت، سنت و مذهب پدید می‌آید و میان افراد جامعه به شکل نهادی و خودجوش وجود دارد. مشارکت سنتی محصول گذشت سالیان است و از گذشته در میان مردم وجود داشته و نسل به نسل ادامه پیدا کرده است. در این نوع مشارکت، دولت هیچ نقشی در هدایت و سازماندهی امور ندارد و انجام تمامی کارها برعهده مردم است.» (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۵۱)

بر این اساس و با نگاهی گذرا به پیشینه و نحوه شکل‌گیری مشارکت‌های سنتی در جامعه روستایی ایران، به آسانی می‌توان دریافت که این گونه قالب‌های مشارکتی، نه تنها بر اساس نیاز، علاقه، حس نوع‌دوستی، محدودیت منابع و شرایط سخت محیطی شکل می‌گرفتند، بلکه ضمن تزریق روح تعاون، موجب نشاط و افزایش کارایی و اثر بخشی مردم روستا نیز می‌شدند (بافکار، ۱۳۹۰: ۳۶).

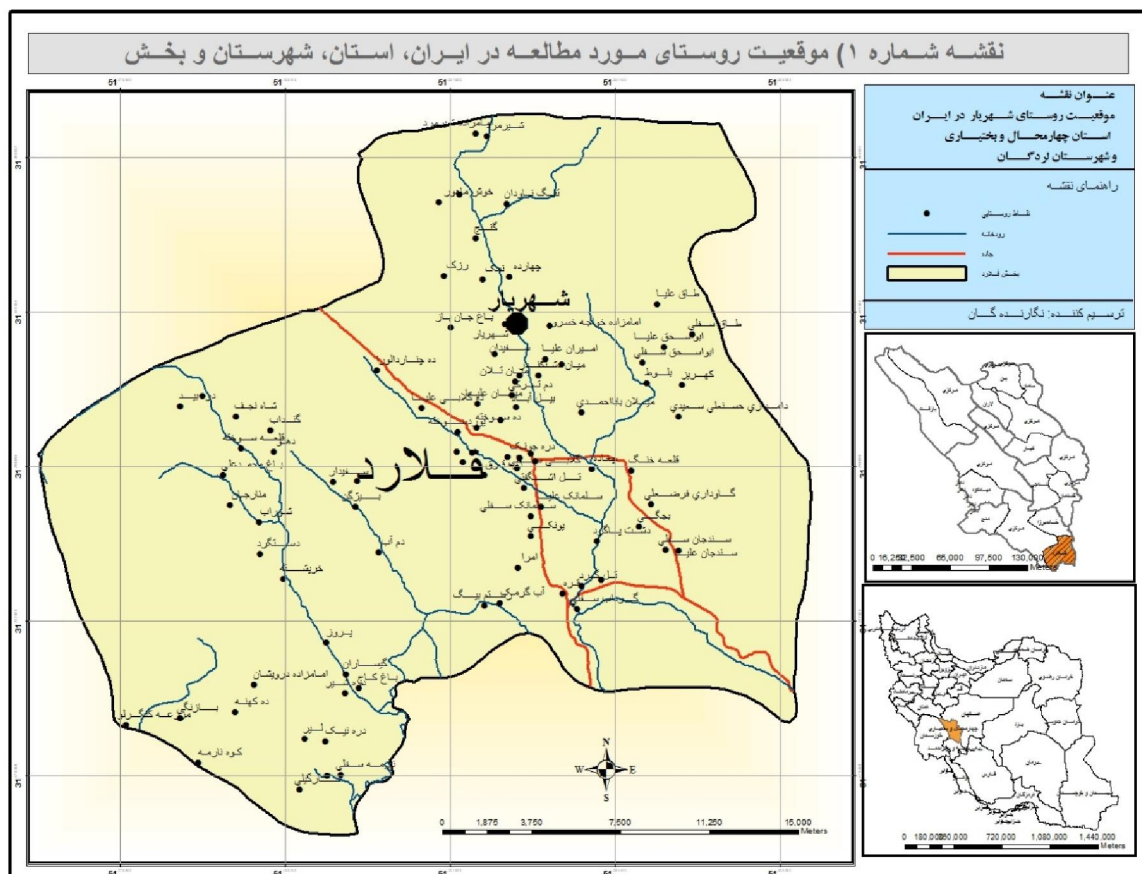
خانوارهای روستایی در ایران از گذشته‌های بسیار دور و با تشکیل اولین پایه‌های روستا در یک مکان با هم همکاری و همدلی را آغاز نمودند. این مشارکت‌ها به دلایلی مانند نیازهای مشترک، مبارزه با عوامل نامساعد محیطی و جغرافیایی، نیازهای اجتماعی و روانی، و... بوده است. ریشه این نوع مشارکت‌ها را در همه نواحی جغرافیایی ایران می‌توان یافت که به دلیل شرایط جغرافیایی و ویژگی‌های اقتصادی حاکم در هر منطقه با یکدیگر متفاوتند. شرایط خاص روستاها؛ به ویژه به علت عدم دخالت دولت‌ها در گذشته دور؛ به خصوص قبل از اصلاحات ارضی در ایران آنها را مردمی خودجوش، خوداتکا و در بسیاری از موارد خودکفا بار آورده بود. از این رو، مشارکت‌های واقعی و به نوعی خودانگیخته را در تمامی امور زندگی روستائیان مانند امور زراعت، دامداری و مرتعداری، ساخت مساجد و ابنیه‌های فرهنگی، شادی‌ها و سوگواری‌ها، امور اقتصادی و حتی سیاسی می‌توان مشاهده نمود که برخی از آنها در بسیاری از روستاهای ایران مشترک بوده است.

در توسعه و شکوفایی فضای روستایی ایران، عوامل و فرایندهای خاصی از سوی فعالان امور روستایی در ایران مطرح می‌شود. در این زمینه گاه از شکل‌گیری نظام‌های خاص در پیشبرد امور روستاییان نیز سخن به میان می‌آید. باید پذیرفت «روستا نیز یک اجتماع انسانی ولو کوچک و با چگالی کم جمعیتی است و برای اداره و توسعه آن نظام‌های خاصی لازم است.» (مهدوی، ۱۳۸۰: ۵۱). شکل‌گیری نظام‌های مدنظر به تشکیلات اداری قوی و منسجم همراه با تدوین قوانین همراه است و گاه می‌توان عرف محل و شکل‌گیری مناسبات سنتی را در ایجاد این نوع نظام‌ها دخیل دانست. پس شکل‌گیری نظام‌های اقتصادی در ایران به صورت محلی انجام گرفته و گاه روستا به روستا با هم متفاوت بوده است. در پاره‌ای از مناطق خشک، نیمه خشک و کم‌آب (ایران) به گونه‌ای همیاری و مشارکت در زمینه تقسیم آب و آبیاری وجود دارد؛ بدین ترتیب که خانواده‌ها به علت کمبود و محدودیت منابع آب با تشکیل واحدهای "هم‌آب" و "بنه‌آب" در زمینه آبیاری با یکدیگر همکاری و تشریک مساعی می‌کنند (نیک خلق، ۱۳۷۹: ۷۹).

معرفی اجمالی منطقه مورد مطالعه

روستای شهریار از توابع بخش فلارد است که در شهرستان لردگان استان چهارمحال و بختیاری واقع شده است. شهرستان لردگان یکی از هفت شهرستان این استان است که در جنوب استان و مجاور با استان‌های اصفهان، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان واقع شده است و براساس آمار ۱۳۹۰، ۱۸۹۹۱۴ نفر جمعیت دارد. بخش فلارد جنوبی‌ترین نقطه استان است که با استان کهگیلویه و بویراحمد و اصفهان هم‌جوار است. جمعیت این بخش در سال ۱۳۹۰، ۴۰۷۴۹ نفر بوده است. نقشه شماره (۱) موقعیت بخش فلارد در جنوب استان را نمایش می‌دهد. براساس آمار جمعیت شهریار (از توابع بخش فلارد) نزدیک به ۳۲۰۰ نفر است. این روستا را جزو روستاهای پرجمعیت شهرستان لردگان می‌توان به حساب آورد. فعالیت کشاورزی از امور مورد توجه روستاییان است و هنوز هم بخش عمده-ای از نیروی کار روستا را به خود مشغول نموده است. این روستا در مسافت حدود ۴۵ کیلومتری مرکز شهرستان (لردگان) و ۱۶۰ کیلومتری مرکز استان (شهرکرد) واقع شده است. در شکل (۱) موقعیت روستای شهریار در کشور، استان و بخش فلارد نمایش داده شده است.

مشارکت سنتی روستاییان شهریار در امورشان سابقه‌ای دیرینه دارد. این نوع مشارکت را در امور اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی می‌توان مشاهده نمود. مشارکت در کاشت، داشت و برداشت محصول، همیاری در امور دامی، مشارکت در مراسم جشن و سوگواری‌های ائمه، ساخت بناهای عمومی و... با زندگی مردم توأم شده است. در این میان مشارکت روستاییان در هر دوره کشت برنج در روستا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، که تبعات اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی متفاوتی برای اهالی به همراه دارد. لذا این پژوهش تنها بر این نوع مشارکت و به شکلی خاص در روستای شهریار متمرکز شده است.



شکل ۱) نقشه موقعیت منطقه مورد مطالعه

یافته‌های پژوهش

همان‌طوری که در مباحث قبلی به آن اشاره شد، در بسیاری از مناطق روستایی ایران کمبود آب، روستائیان را به ایجاد نوعی از همیاری، تعاون و مشارکت واداشته است. چنین مشارکتی را در غالب روستاهای بخش فلارد از توابع شهرستان لردگان در استان چهارمحال و بختیاری می‌توان مشاهده نمود. این شیوه مشارکت سابقه‌ای دیرینه در بین اهالی روستای شهریار و همین‌طور تعدادی از روستاهای بخش فلارد دارد. شیوه تعیین سهم زمین برای کشت برنج براساس میزان حقابه^۳ زارعان است، که با توجه به جستجوی نگارندگان در هیچ مقاله و یا کتابی به آن اشاره‌ای نشده است. ارائه یافته‌ها و مطالب این بخش در سه قسم خواهد بود:

- ۱- تعیین سهم آب مزارع؛
- ۲- تعیین حقابه افراد؛
- ۳- چگونگی تقسیم زمین برنجکار (شلتوک کار).

۱) تعیین سهم آب مزارع

آب کشاورزی مورد نیاز روستای شهریار و روستاهای تابعه (امیران، کندر و باباحمدی) از سرچشمه‌های روستای شهریار تأمین می‌شود. سهم هر روستا از این سرچشمه از گذشته‌های دور تعیین شده است. آب این روستاها بر مدار پنج

شبانۀ روز و براساس جدول (۱) مشخص گردید.

جدول (۱) مدار گردش آب در روستاها و مزارع استفاده کننده از سرچشمه شهریار

نام روستا	میزان سهم آب	مزارع تابع هر سهم
شهریار	۲ شبانه روز	خوجه لنگ، میان دوآب، شهریار، امیران، بند تنگانی و بند جانباز
کندر	۲ شبانه روز	ماکیان، میندشت، زیزده، زیرباغ خان
بابااحمدی	۱ شبانه روز	صیدالی بالا، صیدالی پایین، کره، سرخون، دراز، زیزدراز
جمع	۵ شبانه روز	۱۶ مزرعه

۲) تعیین حقایبه افراد

هریک از زارعان مزارع فوق، در یک و یا چند مزرعه صاحب زمین‌هایی هستند و هر مزرعه‌ای نیز سهم آب مشخصی از پنج شبانه روز را دارد. مقدار سهم آب هر قطعه زمین افراد در هر مزرعه‌ای مشخص است و حقایبه هر فرد نیز از مجموع سهم هر فرد در همه مزارع به دست می‌آید؛ برای مثال، مشهدی قاسم که از اهالی روستای شهریار است، براساس جدول (۲) دارای مجموع ۳۵ دقیقه حقایبه است.

جدول (۲) محاسبه میزان حقایبه افراد

نام مزرعه	شهریار	خوجه لنگ	بند دوآب	بند جانباز	بند تنگانی	بند امیران	شماره
مقدار زمین (به جریب)	۱۰	۳	-	۲	-	۴	۱۹
حقایبه (به دقیقه)	۲۲	۲	-	۳	-	۸	۳۵

وی در مجموع دارای ۳۵ دقیقه آب از کل سهم ۴۸ ساعت آب روستای شهریار است و در هر نوبت آب در هر مزرعه‌ای که لازم بدانند، از آن می‌تواند استفاده نماید. امروزه در تعیین سهم زمین پرنجکار هر فرد در هر سال همین مجموع حقایبه ملاک عمل واقع می‌شود.

حقایبه در روستاهای استفاده کننده از آب سرچشمه شهریار مالکیتی جدا از زمین دارد. سهم آب قابل خرید و فروش به دیگران است؛ لذا در بسیاری از موارد مالکان بدون آنکه زمین خود را به دیگری بفروشند، اقدام به فروش میزان حقایبه خود می‌کنند.

در مجموع، در تعیین حقایبه افراد در مزارع تابع روستای شهریار فرایند خاصی طی شده است، که این فرایند را می‌توان شامل مراحل زیر دانست:

- ۱- تعیین و تشخیص کل مزارعی که از این سرچشمه آب، می‌بایست استفاده می‌کردند؛
- ۲- تعیین مدار گردش آب به شبانه‌روز برحسب نیاز محصولات؛

- ۳- محاسبه مساحت کل زمین‌های موجود در هر مزرعه و قرار دادن آن معادل شش دانگ یا ۷۲جبه؛
- ۴- تعیین سهم آب هر مزرعه براساس مدار زمانی گردش آب؛
- ۵- تعیین سهم آب هر جریب زمین و یا یک "جفت گاو" در هر مزرعه؛
- ۶- تعیین سهم هر قطعه زمین در یک مزرعه؛
- ۷- تعیین حقایبه افراد، از مجموع سهم آب کل مزرعه‌های موجود.

۳) چگونگی تقسیم زمین برنجکار (شلتوک کار)

آب در محدوده مورد مطالعه، هر چند برای آبیاری کشت‌های پاییزه مشکلات چندانی برای کشاورزان ایجاد نمی‌کند؛ ولی در ایام گرم سال با محدودیت‌هایی در کشت همراه است. با توجه به کمبود آب برای به زیرکشت بردن تمام زمین‌ها در کشت دوم (کشت برنج) از یک سو و لزوم کاهش هرزروی آب در جوی‌ها از سوی دیگر، شاهد مشارکت روستائیان در تعیین کشت برنج هستیم؛ هرچند که علاوه بر کمبود آب، مواردی، مانند: مدت زمان کم کشت و نیاز به نیروی کار فراوان را باید به دلایل مشارکت روستائیان در این طرح افزود.

اگرچه مشارکت در کشت برنج را در تعدادی از روستاهای بخش فلارد می‌توان دید، لذا برای ارزیابی دقیق‌تر این شیوه مشارکت، مطالعات خود را در روستای شهریار متمرکز نمودیم. چگونگی تقسیم زمین برنجکار که در واقع بخش اصلی این نوع مشارکت سنتی به شمار می‌آید، مراحل مختلفی را شامل می‌شود که برای روشن شدن موضوع به اختصار به آنها اشاره می‌شود:

الف) تعیین میزان کشت: در این مرحله کشاورزان برحسب میزان آب و یا به قولی "ترسالی" و یا "خشک‌سالی" میزان کشت زمین را براساس هر ساعت حقایبه تعیین می‌کنند؛ برای مثال، اگر تصمیم شورای کشاورزان بر کشت چهارجریب زمین به ازای یک ساعت حقایبه بود، سایر نسبت‌ها این‌گونه مشخص است:

به ازای ۴۵ دقیقه.....۳جریب

به ازای ۳۰ دقیقه.....۲جریب

به ازای ۱۵ دقیقه.....۱جریب

به ازای ۵ دقیقه.....۳۳۳متر مربع

در تعیین میزان زمین برای کشت برنج دو عامل کمی یا وفور آب و محدودیت زمین بیشترین نقش را دارند.

ب) تعیین محل کشت: هر چند که برنامه‌ریزی برای کشت برنج از اوایل سال زراعی (پاییز) با کشت محصولات شروع می‌شود؛ ولی نشست‌های کشاورزان در فروردین ماه که زمان خزانه‌گیری است نیز تعیین کننده خواهد بود.

کشاورزان روستای شهریار دارای ۴۸ ساعت سهم آب از پنج شبانه روز بودند که با خرید ۱۲ ساعت و ۲۰ دقیقه حقایبه از سایر روستاها، هم اکنون این سهم را به ۶۰ ساعت و ۲۰ دقیقه رساندند. لذا با فرض چهارجریب زمین برای ۱ ساعت حقایبه در مزارع این روستا به حدود ۲۴۱/۵ جریب زمین در یک سال زراعی نیاز است. به توزیع زمین‌های قابل کشت برنج و میزان کمبود این زمین‌ها در هر سال زراعی در جدول (۳) توجه کنید:

جدول ۳) توزیع و کمبود زمین‌های پارو در مزارع روستای شهریار براساس حقا به

مزارع	کل حقا به (به ساعت)	کل زمین‌های پارو (به جریب)	کمبود زمین برای کشت (به جریب)
میان دو آب (میناون)	۶۰/۲۰	۱۷۱/۵	۷۰
بند جانباز	۶۰/۲۰	۱۲۵/۵	۱۱۶
بند تنگانی (تنگونی)	۶۰/۲۰	۱۳۰/۵	۱۱۱
شهریار	۶۰/۲۰	۱۱۰	۱۳۱/۵
امیران	۶۰/۲۰	۱۶۰/۵	۸۱
خواجه لنگ	۶۰/۲۰	۱۴۵/۵	۹۶

با توجه به این جدول، هیچ کدام از این مزارع به تنهایی قادر نیست زمین مورد نیاز برای کشت برنج کشاورزان در این دوره کشت را تأمین کند؛ لذا با لحاظ شدن شرط همجواری برای کاهش اتلاف آب، دو یا سه مزرعه برای این امر گزینش می‌شوند.

ج) تعیین کارگر صحرا (اومال و میرو): پس از نشای شلتوک، همه زارعان زمین‌های خود را به صورت مشترک - جهت آبیاری - در اختیار افرادی با نام میرو و اومال قرار می‌دهند. فعالیت این عده از زمان آبیاری تیمدون (خزانه) آغاز می‌شود و تا زمان برداشت محصول ادامه دارد. از این رو، با آغاز فعالیت کشت برنج، قراردادی بین کشاورزان و کارگران صحرا منعقد و ضمن بیان وظایف آنها، نحوه پرداخت حق الزحمه نیز تعیین می‌گردد.

حق و حقوق اومال و میرو، حق و حقوقی عرفی است که از گذشته تاکنون ثابت مانده است. حق میرابی کشت براساس سهم حقا به هر فردی تعیین می‌شود که این میزان به ازای هر یک ساعت معادل شش من (هر من شش کیلو) خواهد بود و حق آبیاری میزان و حد مشخصی ندارد، بلکه زارعان برحسب کرم خویش و میزان رضایت از آبیاری، در قبال زحمات آنها مقداری از محصول را هنگام برداشت به ایشان می‌دهند.

د) تعیین نماینده برای "هس و بیس": پیش از آنکه مرحله تقسیم زمین بین زارعان آغاز شود، در نشستی تعدادی از طرف کشاورزان (با انعقاد قراردادی) به عنوان نماینده تعیین می‌گردند. نمایندگان وظایف ذیل را برعهده دارند:

- نظارت بر کار بندزنان در محاسبه متراژ زمین؛

- تقسیم زمین‌ها بین زارعان به نسبت حقا به افراد.

در این میان، اغلب افرادی برای نماینده کشاورزان انتخاب می‌گردند که از حسن شهرت برخوردار باشند و در مراحل تقسیم زمین عدالت را برقرار نمایند.

ه) تقسیم زمین‌های پارو (قابل کشت برای برنج): این مرحله در واقع حساس‌ترین و مشکل‌ترین مرحله مشارکت زارعان در کشت برنج در روستای شهریار است. مساحی زمین‌های قابل کشت در مزارع مختلف از قبل تعیین شده و نمایندگان بر این اساس باید به تقسیم زمین‌ها بین افراد پردازند.

تحلیلی بر مشارکت‌های سنتی روستائیان و اثرات آن در نواحی روستایی ایران... ۵۹/

برای تبیین دقیق موضوع اطلاعات خود را بر دوره اول کشت که در مزارع خواجه‌لنگ و میان‌دوآب (میناون) صورت می‌گیرد، متمرکز نمودیم. در جدول (۴) اطلاعاتی درباره زمین‌های این دو مزرعه و میزان حقاچه‌ها آمده است (نیاز به ۲۴۱/۵ جریب زمین با فرض ۴ جریب به ازای هر ۱ ساعت حقاچه).

جدول (۴) ویژگی‌های کلی زمین‌های شلتوک کار و حقاچه زارعان در دوره اول کشت

مزارع	زمین‌های شلتوک کار (به جریب)	زمین‌های مورد نیاز برای کشت (به جریب)	حقاچه زارعان (به دقیقه)	زمین مورد نیاز برای حقاچه افراد (به جریب)	زمین اضافه بر سهم حقاچه (به جریب)
خواجه لنگ	۱۶۰/۵	۱۶۰/۵	۱۲۰۳	۸۰/۲	۸۰/۳
میان دوآب	۱۷۱/۵	۸۱	۳۷۱	۲۴/۸	۵۶/۲
جمع	۳۳۲	۲۴۱/۵	۱۵۷۴	۱۰۵	۱۳۶/۵

یافته‌های اولیه جدول

- هیچ کدام از این دو مزرعه به تنهایی زمین کافی برای یک دوره کشت برنج را ندارند.
 - زارعان این دو مزرعه در مجموع ۱۵۷۴ دقیقه حقاچه از مجموع ۳۶۲۰ دقیقه حقاچه کشاورزان روستای شهریار را دارا هستند.
 - از تفریق ۱۰۵ جریب زمین - که باید از طرف زارعان این دو مزرعه به زیر کشت رود - و مجموع کل زمین‌های مورد نیاز در این دوره کشت؛ یعنی ۲۴۱/۵، عدد ۱۳۶/۵ به دست می‌آید. در واقع، ۱۳۶/۵ جریب زمین باید از مالکان این دو مزرعه گرفته شود و در اختیار زارعانی قرار گیرد که دارای سهم آب هستند؛ ولی در این دوره کشت فاقد زمین هستند.
- یادداشت‌های موجود در دفترچه این دوره کشت (مزارع خواجه لنگ و میان دوآب) اطلاعات جامع‌تری از عوامل تولید کشت برنج (آب، زمین و زارع) در اختیار خوانندگان می‌گذارد، که در جدول (۵) آمده است.

جدول (۵) توزیع عوامل تولید برنج در دوره اول کشت (آب، زمین و زارع)

مزارع	تعداد زارعان دارای پارو	تعداد زارعان صاحب حقاچه	تعداد قطعات زمین "پاریو" اضافی	زارعان دارای زمین کمتر	دارای زمین و حقاچه برابر	دارای زمین و حقاچه فاقد زمین	دارای حقاچه و فاقد زمین
خواجه لنگ	۴۵	۴۳	۵۸	۱	۲	۲	۶۶
میان دوآب	۲۸	۱۱	۲۸	۳	-	-	-
جمع	۷۳	۵۴	۸۶	-	۲	۲	۶۶

بر اساس این جدول:

- دو نفر از افراد دارای زمین پاریو صاحب آب نیستند؛ از این رو، با واگذاری زمین به کسانی که دارای حقاچه هستند

می‌توانند از مقداری محصول براساس عرف سهم ببرند.

- تعداد ۱۲۰ نفر از زاعان روستای شهریار دارای حقه از سرچشمه هستند که فقط ۵۴ نفر در این دوره کشت دارای زمین و ۶۶ نفر دیگر فاقد زمین قابل کشت برای برنج هستند. از این رو، زمینداران باید زمین‌هایشان را به صاحبان آب (فاقد زمین) در قبال دریافت مقداری محصول (نیم خراج)^۷ واگذار نمایند.

مطالعات میدانی این پژوهش نشان می‌دهد که در هر دوره کشت چنین محاسباتی با دقت هرچه تمام‌تر از طرف کشاورزان و نمایندگان آنها صورت می‌گیرد. این شیوه مشارکت با هدف تفهیم مطلب تنها در دو مزرعه و در یک سال کشت به بحث کشیده شد. این تقسیم زمین برای کشت برنج اغلب با همراهی و نظارت کشاورزان انجام می‌گیرد و در چنین مواقعی خیر و صلاح عمومی بر اهداف شخصی ترجیح داده می‌شود.

تحلیل آثار مشارکت روستاییان در کشت برنج روستای شهریار

بر اساس مطالعات میدانی انجام گرفته، می‌توان گفت که این نوع مشارکت با زندگی و شیوه کشت کشاورزان روستای مورد مطالعه عجین شده است و سابقه‌ای دیرینه در این روستا دارد؛ به گونه‌ای که از به کارگیری ادوات و ابزار سنتی کشاورزی مثل گاو و خیش شروع شد و با ادوات جدید مثل تیلر و تراکتور تداوم یافت. این نوع مشارکت سنتی که در بخش فلارد و به طور خاص در روستای شهریار شکل گرفت، تداعی کننده شیوه‌ای همیاری و تعاون با هدف رفع نیازهای اقتصادی و بازده عوامل تولید است که آثار بی‌شمار اقتصادی و اجتماعی را به همراه داشت. در ادامه، به اهم این آثار اشاره می‌شود:

الف) آثار اقتصادی

- بهره‌برداری بهینه از زمین‌های کشاورزی؛
- افزایش همکاری‌های اقتصادی در بین زارعان روستایی؛
- جلوگیری از پرت و هرز روی آب کشاورزی به ویژه در ایام گرم سال؛
- مدیریت همزمان منابع آب و خاک و استفاده بهینه از آنها؛
- تجمیع کشت به منظور افزایش تولید؛
- جلوگیری از اتلاف زمان جابه‌جایی نیروی کار در بین قطعات زمین در مزارع مختلف؛
- امکان لایروبی جوی‌ها در یک دوره کشت با استفاده از نیروهای انسانی تجمیع شده؛
- دفاع و نگهداری از محصول به ویژه در گذشته - در برابر خطرهایی؛ از قبیل حمله حیوانات (مانند گراز و ...)
- افزایش همیاری و تعاون کشاورزان در مراحل کاشت، داشت و برداشت محصول؛
- اطلاع از نوسان قیمت برنج پس از برداشت محصول.

ب) آثار اجتماعی

- تقویت همبستگی و همدلی بین روستائیان: براساس این شیوه مشارکت، زارعان با همراهی در کشت برنج به تقویت همدلی و همبستگی بین خود و سایر زارعان روستا کمک می‌کنند. تعویض و ردّ و بدل کردن زمین‌ها در بین افراد - در دوره‌های مختلف کشت - این همدلی را تقویت می‌کند.

وقتی دو یا چند خانواده به کشت اشتراکی یک قطعه زمین می‌پردازند، زمینه همدلی آنها دوچندان می‌شود.
- مالکیت توأم با عدالت اجتماعی: در این نوع مشارکت سنتی حق هیچ فردی ضایع نمی‌شود. همان‌طور که فرد دارای ۱۴۵ دقیقه حقابه به نسبت سهم خود از میزان کشت استفاده می‌کند، فرد دارای ۵ دقیقه نیز دارای سهم است.
- منتفع شدن خوش‌نشینان روستا: سایر روستائیان و از جمله خوش‌نشینان نیز در کنار این شیوه مشارکت در مراحل مختلف کار و از جمله در زمان برداشت محصول نفع می‌برند. در این میان، کاسبان محل (سلمانی/۱)، مغازه‌داران و کارگران روستا هر یک به گونه‌ای از این شیوه بهره می‌برند.

- تقویت همیاری و مشارکت گروهی در توسعه روستایی: یکی از آثار فراگیر مشارکت روستائیان در کشت برنج روستای شهریار، فراهم شدن زمینه همکاری مردم روستا در سایر عرصه‌های توسعه روستایی است. این شیوه، همکاری گروهی مردم را تقویت می‌نماید و ایشان را در مشارکت در سایر طرح‌های روستایی مصمم‌تر می‌نماید.
- کاهش اختلافات آبی در میان زارعان: با به زیر کشت بردن زمین‌های مجاور و آبیاری زمین‌ها به صورت مشترک توسط کارگران صحرا، اختلافات مرتبط با کمی آب در فصول گرم سال به خودی خود از میان می‌رود.
- توجه به فقرای روستا: در هر دوره کشت علاوه بر استفاده از نیروی کار فقرا که در بسیاری از موارد با سهم کردن آنها در مقداری از محصول و یا دادن مزد به آنان همراه بود، به تعدادی از آنها نیز در زمان تقسیم زمین، زمین‌هایی به صورت مشترک بین همه زارعان داده می‌شد و آنها از این شیوه مشارکتی به نوبه خود سود می‌بردند.

نتیجه‌گیری

چنانکه در ادبیات تحقیق گفته شد، شکل‌گیری خودجوش مشارکت‌های سنتی در جوامع روستایی کشور، برگرفته از نیازهای اساسی، محدودیت منابع و شرایط سخت محیطی بوده که نیاز به همکاری و مشارکت را ضروری می‌ساخته است. این نوع مشارکت‌ها با موفقیت‌های فراوانی همراه بوده است، که ریشه این موفقیت‌ها را می‌توان در سازگاری این نوع مشارکت‌ها با علایق و روحیات مردم بومی روستایی جستجو کرد. از دیگر ویژگی‌های منحصر به فرد مشارکت‌های سنتی روستائیان به مواردی، همچون: عدم وابستگی به اعتبارات دولتی، حفظ منافع اقتصادی - اجتماعی و زیست - محیطی روستائیان می‌توان اشاره نمود.

برخلاف نظریه‌پردازانی که عدم توسعه روستایی را به نبود فرهنگ مشارکت در میان آنها نسبت می‌دهند و گاه از عباراتی مانند "خلق فرهنگ مشارکت" در میان روستائیان سخن به میان می‌آورند، اکثر جامعه‌شناسان، مورخان، مردم‌نگاران و برنامه‌ریزان روستایی بر مشارکت سنتی روستائیان در تمامی فرایندهای مرتبط با امورشان ایمان دارند؛ بلکه به یقین می‌توان گفت که فرایند مشارکتی گذشته روستائیان بسیار تکامل یافته‌تر و موفق‌تر از مشارکت‌های امروزی جوامع روستایی در ایران است. هرچند امروزه مشارکت‌های سنتی روستائیان در حال تضعیف شدن و یا نابودی است

ولی زمینه‌های آن هنوز هم می‌تواند بستر و چهارچوب مناسبی را برای سازماندهی توسعه روستایی با مشارکت مردم به وجود آورد.

مراحل و چگونگی مشارکت کشاورزان روستای شهریار که هر ساله با محاسبات و دقت خاصی صورت می‌گرفت، تداعی کننده شکل‌گیری نوعی "گروه همیار" و یا "هم‌آب" است که ضمن حفاظت از خاک و جلوگیری از هدر رفتن آب، آثار بی‌شمار اقتصادی و اجتماعی در این روستا به همراه دارد. بنابراین، در این پژوهش آنچه بیش از همه قابل یادآوری مجدد است، شیوه‌های مشارکت سنتی روستاییان در امور خود بدون دخالت مجریان دولتی است. این برداشت آن گنج‌نهایی است که امروزه در توجه برنامه‌ریزان و مدیران روستایی در ارتباط با مشارکت روستاییان وجود دارد و آن این است: "مشارکت روستاییان در امور خود بدون دخالت دولت".

با توجه به موفقیت‌های بی‌شماری که مشارکت‌های سنتی در امور روستاییان داشته و در پاره‌ای از نقاط روستایی ایران نیز هم اکنون تداوم آنها مشاهده می‌گردد، پیشنهادهای خود را در ارتباط با این پژوهش به شرح زیر عنوان می‌کنیم:

۱- شیوه‌های متفاوت مشارکت سنتی در روستاهای ایران شناسایی و به محققان عرصه توسعه و برنامه‌ریزی روستایی معرفی گردد.

۲- میزان موفقیت این نوع مشارکت‌ها در پیشبرد امور مختلف روستاییان بررسی و ارزیابی دقیق و علمی شود.

۳- علت موفقیت مشارکت‌های سنتی تداوم یافته در روستاهای ایران مورد بررسی و چرایی دقیق قرار گیرد.

۴- در اغلب روستاهای ایران زمینه‌های فرهنگی مشارکت دیده می‌شود. پس بخش عمده‌ای از نگرانی مصلحان روستایی در ارتباط با مشارکت روستاییان در امور خودشان، باید در راستای زنده کردن این فرهنگ به کار گرفته شود.

۵- موفقیت نسبی مشارکت‌های سنتی به نقش بدون جایگزین رهبران محلی و معتمدان روستایی وابسته بود؛ لذا در برنامه‌های امروزی روستاها به این نقش باید با حساسیت بیشتری نگریسته شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. حقایق: سهم آب هر یک از زارعان براساس کل آب تقسیم شده بین زارعی است که از سرچشمه شهریار حق دارند. این حق به دقیقه و براساس پنج شبانه روز است.

۲. جفت‌گاو: از شاخص‌های تقسیم آب و زمین، قبل از اصلاحات ارضی به شمار می‌رود. بر اساس این تقسیم‌بندی هر مزرعه برابر با ۶ جفت گاو بوده است. یک جفت گاو معادل یک دانگ و یک لنگه گاو معادل نیم دانگ بوده است. در عرف محل مقدار زمینی است که یک فرد، یک روز تا عصر بتواند آن را به وسیله گاو آهن شخم زده و کشت نماید، که از ۲ تا ۱۲ جریب در نوسان است.

۳. هس و بیس: کلیه محاسبات و مراحل، اعم از تعیین میزان کشت براساس سهم آب، محاسبه مترای همه قطعات زمین‌های پارو در یک مزرعه و در نهایت، تقسیم زمین‌های شلتوک کار (پاریو) مزارع بین صاحبان حقایق را در اصطلاح محلی هس و بیس می‌گویند.

۴. پاریو: به زمین‌های مستعد برای کشت برنج در اصطلاح محلی "پاریو" گفته می‌شود.

۵. نیم‌خراج: شیوهٔ مرسوم محلی برای سهم شدن صاحب زمین در محصول به‌دست آمده توسط زارع با عنوان "تمام خراج" و "نیم‌خراج" مشخص می‌شود. تمام خراج بیشتر در کشت‌های دیم متداول است و به صاحب زمین ۴۰٪ محصول می‌رسد. در کشت‌های آبی نیم‌خراج متداول است، که براساس آن ۲۰٪ محصول به صاحب زمین می‌رسد.

منابع

- ۱- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۸). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- ۲- اسدی، سعید. (۱۳۸۲). "نقش مشارکت ابقایی در تحقق توسعه روستایی"، *ماهنامه جهاد*، ش ۸۹، صص ۸۶-۱۰۰.
- ۳- اوکلی، پیترو و مارسدن، دیوید. (۱۳۷۰). *رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی*، ترجمه منصور محمودنژاد، مرکز تحقیقات روستایی، جهاد سازندگی.
- ۴- بافکار، حسین. (۱۳۹۰). "بررسی تطبیقی مشارکت‌های سنتی با مشارکت‌های نوین در جامعه روستایی ایران"، *رشد آموزش جغرافیا*، ش ۹۵، صص ۳۶-۴۰.
- ۵- پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمدمیر. (۱۳۸۱). *نظریه‌های توسعه روستایی*، تهران: سمت.
- ۶- جمعه‌پور، محمود. (۱۳۷۳). "تحلیل رهیافت مشارکت سازمان‌های سنتی تولید گروهی در بهره‌برداری بهینه از منابع آب، خاک و توسعه روستایی"، *تحقیقات جغرافیایی*، ش ۳۵، صص ۱۰۳-۱۲۰.
- ۷- چمبرز، رابرت. (۱۳۷۶). *توسعه روستایی اولویت بخشی به فقرا*، ترجمه مصطفی ازکیا، دانشگاه تهران.
- ۸- حامد مقدم، احمد. (۱۳۷۳). *مشارکت و توسعه مشارکتی روستایی*، مجموعه مقالات سمینار جامعه و توسعه، تهران: سمت، جلد دوم، صص ۸۸-۹۶.
- ۹- حسینی آبری، سیدحسن. (۱۳۸۰). *مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران*، دانشگاه اصفهان.
- ۱۰- رستمی، کاظم. (۱۳۸۲). *نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه روستایی؛ با تأکید بر مشارکت سنتی و جدید*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر محمد حسین پاپلی یزدی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۱- رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*، تهران: نشر قومس، چاپ سوم.
- ۱۲- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و سجاسی قیداری، حمداله. (۱۳۸۹). *توسعه روستایی با تأکید بر کارآفرینی*، تهران: سمت.
- ۱۳- شوماخر، ای.اف. (۱۳۶۵). *کوچک زیباست*، ترجمه علی رامین، تهران: سروش، چاپ دوم.
- ۱۴- طالب، مهدی. (۱۳۷۶). *مدیریت روستایی در ایران*، دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۱۵- عفتی، محمد. (۱۳۷۲). "نگرشی بر الگوها و روشهای مشارکت روستائیان در برنامه‌های روستایی ایران"، *ماهنامه جهاد*، ش ۱۶۷، آذر.
- ۱۶- علوی تبار، علیرضا. (۱۳۷۹). *بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها*، جلد اول، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- ۱۷- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۰). *واره نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران*، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی.

- ۱۸- قاسمی پویا، اقبال. (۱۳۸۳). مشارکت مردمی در آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت، چاپ دوم.
- ۱۹- قباخلو، رمضانعلی و مرادنژادی، همایون. (۱۳۸۱). "خودیاری و جامعه روستایی"، ماهنامه جهاد، ش ۹۱، صص ۸۷-۹۳.
- ۲۰- قنبری، یوسف. (۱۳۸۱). "فناوری بومی و توسعه پایدار روستایی"، ماهنامه جهاد، ش ۸۵، صص ۸۸-۸۲.
- ۲۱- کائوتری، هونین و دیگران. (۱۳۷۹). مشارکت در توسعه، ترجمه هادی غبرایی و داوود طبایی، تهران: انتشارات روش.
- ۲۲- مطیعی لنگرودی، حسن. (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران، جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ پنجم.
- ۲۳- مهدوی، مسعود. (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران، تهران: سمت، چاپ سوم.
- ۲۴- نیک خُلق، علی‌اکبر. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی روستایی، نشر کلمه.
- 25- Botchway, k. (2001). Paradox of empowerment: Reflections on a case study from northern Ghana. 29, 135-153.
- 26- Lowe, et al (1999), Participation in rural development, clnter for rural economy.
- 27- Mohan, G. (2008). 'Participatory Development'. The Companion to Development Studies. Hodder Education.
- 28- Osmani, Siddiqur. (2008). "Participatory governance: An overview of issues and evidence" in United Nations Department of Economic and Social Affairs (UNDESA), Participatory governance and the millennium development goals (MDGs), United Nations.
- 29- SCAP. (1996). showing the way, bankok: Methodologies For successful Rural Poverty Alleviation Projects.
- 30- Watkins, Jerry J. & Tacchi, Jo A. (Eds.). (2008). Participatory content creation for development: principles and practices. UNESCO, New Delhi, India.